



امروز یا سعدی شیراز



بیندیش از ان طفلک بی پدر

چه بازارگان در دیارت بصره
کزان بس که بر وی بگریزند زار
که مسکین در اقلیم غربت بصره
بیندیش از ان طفلک بی پدر
بسا نام نیکوی پنجاه سال
پسندیده کاران جاوید نام
بر آفاق اگر سر بسر پادشاست
چو سال از توانگر ستانده گداست

یک خبر یک نگاه



کدام اوقات فراغت!!

رئیس مرکز پژوهش‌ها و مطالعات راهبردی
وزارت ورزش و جوانان گفت: طبق پژوهش‌های
به‌دست آمده اوقات فراغت جوانان به‌طور متوسط
چهار ساعت است و آنان بیشتر گرایش دارند که
اوقات فراغت خود را در محیط‌های سرسبز و
همراه خانواده بصری کنند. محمدرضا حسینی
در گفتگو با «باشگاه خبرنگاران» اینگونه توضیح
داده و شناسایی نیازها و علایق فراغتی جوانان میان
۵ هزار جوان ۱۵ تا ۲۵ ساله ۲۱ استان از سال
۹۲ تا ۹۴ انجام شده است. افزود هدف اصلی این
پژوهش شناسایی نیازها و علایق فراغتی جوانان
ایرانی بر حسب مکان، زمان و شیوه‌های مختلف
گذران اوقات فراغت است.

برش



تا کی این وضع ادامه دارد؟

اودی آن



شک را به صبح رساندن
هر شب سختتر و سختتر
می‌شود. دیشب این حس
کلافه کننده به من دست
داد که یک عده می‌پوشند
تسلی ناقص بر می‌زنند
حالی شامپوزینند اما چرا؟
می‌برند، عاشق می‌شوند، خیانت می‌کنند،
موتل می‌شوند و چه و چه... برای آنها در کتاب
اگر آب وجود نداشته باشد آیا شما نان خوبی
دارد، طسراوت دارد، آن قدری که نان توان را جلا
بدهد.

شاتر



بهار را در یاب

جشنواره بهار شنگین در اردبیل



محمدرضا حسینی



در ضرورت حق؛ حتی حقوق ناسزا گفتن

و ادبای دارد، هم‌طیبری که نمی‌شود آدم نلسازی
را که آخر آن زمانی که خدای تا کرده با هم پدر
کشتگی دارند باید بگویند، راه همان را بگویند. آن
ناسازی که آدمی نباید به بردی که متاهل است،
بگوید اینها خیلی به است که در روابط اجتماعی
ما چنین چیزهایی وجود داشته باشد. ما باید حقوق
کمی‌دیگر را حتی در هنگام ناسزا گفتن و فحش دادن
هم رعایت کنیم، بالاخر آن کسی که فحش می‌دهد خود
به هم حقوقی دارد و باید به اندازه خطای که کرده
فحش بخورد، نه بیشتر. یعنی دشمنی‌هایمان باید
به اندازه باشد. هر چیزی بی اندازه ای، غیر دانشی است.
خرید نام، یعنی چیزی که قابل اندازه‌گیری باشد.
انسان دانشی، کسی است که کارش قابل
اندازه‌گیری است. نلسازی باید قابل اندازه‌گیری
باشد. نمی‌شود به کسی که از ما سبقت گرفته یا

بگویم «چیزی زویه قائمه» و به این شکل، یک خلاقیتی
در نلسازی‌ها همان داشته باشیم.
اما یک زمانی که در خیابان هستیم، می‌بینم که دو
مهربان شورش بخانه بهم نلسازی می‌گویند که اصلا
مشرب طبیعی ندارد بالاخر دعوا کردن یک تریبی
دارد، مثلا یکی ولی می‌گوید «تو!»، آن یکی می‌گوید
«تو تری کلاه» بعد می‌گوید «هر یک کلاه» آن یکی
می‌گوید «هر یک کلاه خودتی» معنی می‌گوید «تو تریست»
و هم‌طیبری اندامه پیدا می‌کند تا اینکه می‌رسد به
ناسازی که با سبقتی نیست و من هم نمی‌توانم آنها
را بگویم البته بنده امامی گویم چون شمامی توانید.
چاپ کنید ولی در هر حال می‌خواهم بگویم این افراد
هموطن، آن چیزی را که آخر باید بگویند، همان اول
می‌گویند و این باعث ایجاد شدن اشتغال در منازعه
می‌شود. هر چه باشد، دعوا هم یک امری می‌باشد.

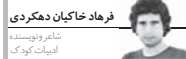


محمد صالح غلام روزنامه نگار

اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی، موضوع بسیار
مهمی است. یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی ما این
است که افراد در جامعه ما به سرعت عصبانی می‌شوند
و ناسازی می‌گویند. ناسزا گفتن یک پیش قدمی است و
مقدمه‌ای دارد برای کار دیگر بالاخر ناسزا گفتن
هم یک پدیده است. اول از همه، من زمانی که در
تولوز بودم به مردم پیشنهاد کردم کتاب‌هایمان
را عوض کنیم و خلافتی در فحش دادن هابمان
و ناسازی، مثلا به جای حرف‌های بی تریبی و
فحش‌های بد، به هم بگویم «هر روی تو زنگاره» یا
«مربع مستطیل» و وقتی هم که خیلی عصبانی شدیم،

خیلی دور خیلی نزدیک

معجزه ادبیات یا، بگذار ملال همه چیز را تهی کند!

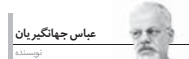


فرهاد خاکیان دکمردی شاعر و نویسنده آلبانیایی کوچک

بگذارید به هم روست باشیم! آیا روزهای ما
شبیبه به هم نیستند؟ هر روز صبح سر ساعتی
معین بیدار باشیم، به محل کارمان برویم، کمی
اصلا تا ظهر بخوابیم، بعد ناهار بخوریم، کمی
دور خودمان بچرخیم تا شب خیره به صفحه
تلویزیون محو سربالی که انگار ساخته شده
است. برای گشتن وقت، ما خودمان برید، هر
روز همین روال تکراری ادامه دارد و روز به روز
انسان را فرسوده‌تر می‌کند. گاهی ممکن است
سعی کنیم با سفر مثلا از این ریمت کشته‌جات
پیدا کنیم که در واقع همان اراده برای خروج از
روزمزگی هم خودش به راحتی حسوز آن طول
ملا انگیز هر روز می‌شود. یعنی در طول
یکسال تمام ایام تکراری و آخر هر سال هم
اراده برای سفر به شهری دور یا نزدیک همین
دیگر هیچ- تغییر دیگرش زندگی ماشینی است؛
دیگر هیچ- معجزه مقدم این ملال در تمام دوران‌ها یا بشر
بوده است. مثل سایه سوم ما آدم‌هاست و بجای
از آن نیست؛ مگر جهان خیال آدمی و به رسانی
چه چیزی جز ادبیات را سراغ دارد که تا این حد
بال خیال بشر را پرور داده باشد؟
آخرین زمانی که خوانده‌امند کدام زمان بوده
و کی؟ اصلا ناهال یک زمان جلد خواننده‌اید
یا یک داستان کوتاه خوب؟ بویسندها معاصر
کثرتان را می‌شناسید؟ منظرم زنده زرد
یا زمان‌های بازاری نیست، یک مکان و زمان
که با خواننده‌اید که حتما از لذت‌های خیره‌ناک
اگر خواننده‌اید، پس اجازه بدهید تا من کمی از
لذت‌های برایتان بگویم. شما در اقیانوس یا هر جای

بی مناسبت

جامعه ما حساسیت‌های خود را از دست داده



عباس جهانگیریان نویسنده

دست گرفتند، آن‌چه چیزی باعث شده رأفت و
مهربانی مردم از بین برود و جای آن را منت‌ و
خودخواهی بگیرد؟
و ضعیف به گونه‌ای است که همسایه تحمل
کم‌شمار موجود در تقویم، بی‌استاد افراد قایل
دور هم جمع شوند، همسایه رنگ در خانه
همسایه را می‌زند و از این که در سلامت ۱۱
شعب، صدای خنده آنها را می‌شنود شکایت
دارد. از نظر من استانه تحمل مردم پایین
آمده، کافی است کسی به پرورده‌های مفتوح در
دادگستری مراجعه کند تا به حجم بالای
تخاصم میان افراد جامعه بی برید، شمار
پرورده‌های در جریان طلاق در کشور بین
۵ تا ۱۰ میلیون است، این آمار در مقایسه با
تمام کشورهای منطقه بالاتر از درصد را نشان
می‌دهد. مسایلی مانند اسپیشناسی در این
زمینه‌ها همیشه مسایلی به سوسالاتی نظیر
چراپی این آمار و خوشحالتان طلاق و عصبیت
جوان‌ها پاسخ‌دهیم. همیشه وقتی دخترم
از فرانسه به ایران می‌آمد می‌گوید به محض
برود به فرودگاه، چهارده ایوس در مقالات
صف‌ارایی می‌کنند. همه عیوس و بد اخلاق
محیط زیست مسا و وضعیت آب و هوایی
همه تاثیر خود را بر این عیوس بودن‌ها
گذاشته‌اند. حال آنکه وقتی در کشورهای
دیگر از هواپیما پیاده می‌شوم افراد، خنده
لب دارند، به گمان که از گان‌های مرتبط باید
روی تمام این موارد مطالعه کنند و در پند
چظطر می‌شود شهرها با شغافا داشته باشیم
تا هم به لحاظ بصری لذت ببریم و هم روابط
اجتماعی مردم تا حد امکان تصحیح شود.



محمدرضا حسینی